



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۱/۲۷

م. اسحاق نگارگر

عبرت از گذشته برای آینده

یا ممکن است انسان از گذشته عبرت بگیرد و برای حال و آینده با احتیاط و دور بینی عمل کند؟

وقتی کودک بودیم به ما می گفتند که هدف از مطالعه تاریخ همین است که امروزیان از حالت دیروزیان عبرت بگیرند و از اشتباهات دیروزیان دوری کنند، اما در عمل من هرگز ندیدم که کسی از تاریخ عبرت بگیرد و از نمونه خوب یا بد دیروزیان چیزی بیاموزد. در میان مردان تاریخی "نیلسن مندیلا" بیست و هفت سال در زندان ماند تا بالاخره سلطه سفیدان را در افریقای جنوبی پایان داد و خود بر اریکه قدرت نشست. این بزرگمرد نه به خاطر بیست و هفت سال زندانی بودن خود بر کسی منت گذاشت و نه بر مال و ثروت دنیا حریصانه همانند سرکرده های دیار ما زانو خواباند. درویش آمد و درویش از جهان رفت اما "موگابی" را هم ببینید که سی و هفت سال قدرت را به طور متمرکز در دست خود نگاه داشت و وقتی که ملتش مجبور شد او را به نیروی پس گردنی از تخت فرو اندازد از محاسبه و حساب و کتاب می ترسید و از ملت تقاضای مصونیت از بازپرسی کرد و نشان داد که او پاک نبود و به همین دلیل از محاسبه پاک داشت.

خوب مردم زمبابوی به تقاضای او تمکین کردند و دیدند که این مرد نود و سه ساله ناگزیر است منتظر مرگ بنشیند تا خدای خیر و شر از او بازخواست اعمالش را بنماید ولی کنار رفتن محترمانه "مندیلا" از قدرت و دو دسته چسپیدن "موگابی" بر شاخ قدرت نیز درسی است که دست اندرکاران سیاست از آن چیزی بیاموزند یعنی اگر با رضای خاطر رفتی با عزت و احترام خواهی رفت ولی اگر به قدرت چسپیدی به زور از این معشوق بی پروا جدایت می کنند و پس گردنی زنان دورت می افکنند. و اما این نگارش من مقصودی دیگر دارد.

ششم آگست ۱۹۴۵ بود و جاپان هنگام جنگ دوم جهانی سر تسلیم خم نمی کرد و امریکا نیز آرزو داشت که نیروی بم تازه اختراع شده خود را بر جایی بیازماید و قدرت تخریب آن را تماشا کند بنا بر این یکی را به نام (لنل بای) و دیگری را به نام (فَت مَن) بر ناگا ساکی و هیروشیما فرو افکند در ناگاساکی از شست تا هشتاد هزار و در هیروشیما از نود هزار تا یکصد و شست و شش هزار نفر را به کام مرگ سپرد و وجدان اجتماعی امریکا را در برابر تاریخ سرافکنده ساخت اما جهان درس عبرت نگرفت که هیچ به یک نتیجه غلط دیگر نیز رسید که اگر در مسابقه تسلیحاتی شرکت نمودی و خود را به قیمت برباد دادن هست و بود ملی صاحب بم های اتمی ساختی نیرومند استی و نامت مردم جهان را می لرزاند. کوریای شمالی یکی از همان ملت هاست که گدای ضرورت های نخستین زندگانی است ولی تا بخواهی

راکت های اتومی را سرماشه مانده و جهان را با این کار حق و حیران ساخته است. "انجلا کلفتن" شعری زیرعنوان هیروشیما دارد که من نخست شعر را و بعد ترجمه اش را به شعر دری تقدیم می کنم.

Hiroshima
The bomb burst like a flower,
And grew upward under the sun.
And men stood a for off, and wondered
What was the meaning of this?
Then the flower died, and they partly forget,
What had happened that summer day?
But in later years terror reigned in land,
For the deadly blight of the flower had fallen on men,
And as they died they cried to the stars to avenge
This inhumanity of men to men.
And future generations inherited
A sorrow, and a remembrance of it,
futility. (۱۹۵۸-) ancestor's And a lesson drawn from their

هیروشیما

سوی خورشید ره پیما شتابان	بمی افتاد و چون گل شد شگوفان
به صد حیرت همی کردند غم غم	در آن سو دورتر بیچاره مردم
که تخم مرگ پاشیده است این مغز	ندانستند آن بیچارگان نغز
که در آن روز تابستان چه رخ داد	گل افسرد و ندانست آدمی زاد
که گل بود از تبار خشک صحرا	ولی شد سالها بعد آشکارا
به سوی اختران کای داد و بیداد	همی مُردند و می کردند فریا
که صدها نخل قامت کرد واژون	شما کیفر دهید این وحشت و خون
ز بیداد نیاکان داستان ها	به تلخی می کند انسان فردا

آری پُرسش من این است که ما از دیروز "ناگاساکی" و "هیروشیما" درس عبرت می گیریم و با خردمندی با مشکلات امروز برخورد می کنیم و یا به عنوان نیاکان فردا ما هم برای آیندگان داستان های فراوان سنگدلی و قساوت به میراث می گذاریم.

حضرت مولانا برای ما گفته است:

این نه مردانند این ها صورتند گشته نامند و مُرده شهوتند
وقت خشم و وقت شهوت مرد کو طالب مردی چنینم کو به کو
کودرین دوحال مردی در جهان تا فدای او کنم امروز جان

من بدبختانه در جهان امروز مردانی همانند "مندیل" که بر خشم و شهوت خود هر دو، پا گذاشته بود کم می بینم ولی آنانی که اسیر خشم و شهوتند فراوانند و اختیار جهان نیز در دست همین هاست. آیا فرهنگ انسانی در خدمت سیاست و فُلدری قرار خواهد گرفت و انسان ها به نام قوم، زبان، مذهب و غیره از هم جدا و با هم در پیکار خواهند زیست؟ باید منتظر ماند و دید. والله اعلم بالصواب نگارگر ۲۳ نومبر ۲۰۱۷

